

حمایت از زاد و ولد

جامعه پدیا

از وقتی صدای زنگ خطر بحران جمعیتی در کشور به صدا درآمده دولت در تلاش است که با اجرای طرح‌های تشویقی و رفاهی، خانواده‌ها به خصوص بانوان را ترغیب به فرزندآوری کند. در طول سال‌های گذشته هم طرح‌های بسیاری در راستای افزایش جمعیت کشور اجرا شده است؛ هر چند اجرای خیلی از این طرح‌ها با چالش‌های بسیاری همراه بوده است. حالا دولت تصمیم دارد بخشی از این برنامه‌های تشویقی و حمایتی خود را به صورت خاص و ویژه برای زنان انجام دهد؛ یکی در قالب بسته مادرانه یا همان کارت امید‌مادر که قرار است از ابتدای سال ۱۴۰۵ اجرا شود و براساس آن کمک‌هزینه خرید مواد غذایی و ملزومات کودک به‌طور مستقیم به حساب مادران واریز شود و دیگری افزودن حق عائله‌مندی در فیش حقوقی مادران است. در حوزه زنان شاغل، حق عائله‌مندی یکی از موضوعات مهم در راستای حمایت اقتصادی مادران. این موضوع در قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» به صورت مستقیم پیش‌بینی نشده و در قالب پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون خدمات کشوری در دست بررسی قرار دارد. به گفته زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان ریاست جمهوری موضوع حق عائله‌مندی زنان نیازمند اصلاح قانون اداری است. پیش‌نویس لایحه توسط معاونت زنان تهیه و به کمیسیون‌های دولت ارسال شده و پس از طی فرآیند کارشناسی، به مجلس تقدیم خواهد شد.

اجرای این لایحه می‌تواند ضمن کاهش فشار اقتصادی و اجتماعی مادران شاغل، انگیزه آنان را برای مشارکت فعال در بازار کار افزایش دهد، بدون اینکه مسئولیت مادری تحت فشار قرار گیرد. در مجموع، سیاست‌های حمایتی در قالب بسته مادرانه و اقدامات پیش‌بینی‌شده برای حق عائله‌مندی، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مستقیماً رفاه و معیشت مادران را هدف قرار دهند و از این طریق نقش آنان در خانواده و جامعه تقویت شود تا بتوان بسر اثرگذاری آن بر شاخص‌های جمعیتی تا حدی امیدوار بود.

حضور ی یا مجازی؟

نکته

چندماه دیگر که آلودگی هوای پایتخت و شهرهای بزرگ شروع شود، آموزش‌ها به فضای مجازی و برنامه «شاد» منتقل خواهد شد.

۵سال است که دانش‌آموزان در اینترنت برای خودشان شبکه درسی دارند و در کلاس‌شهرها هر سال از چند روز تا چند هفته به صورت مجازی درس می‌خوانند. در این مدت رایج ترین سیم کارت‌هایی که در دست

تاریخچه سیم کارت‌های دانش آموزی

درس

همراه اول در اردیبهشت ۹۴ از سیم کارت کودک و نوجوان خود با نشان تجاری درسا رونمایی کرد. این نوع سیم کارت قابلیت تماس صوتی و پیامک نداشت و فقط به اینترنت داخلی وصل می‌شد. سیم کارت درسا اکنون دیگر عرضه نمی‌شود.

انارستان

در سال ۹۹ همراه اول سیم کارت انارستان را عرضه کرد که تمام امکانات مکالمه، پیامک و اینترنت پرسرعت را دارد، اما تنها دسترسی به سایت‌های گزینش شده مناسب کودکان و نوجوانان را که به «فهرست سفید» موسوم است ممکن می‌کند. در سایت انارستان نمی‌شود فهرست مذکور را دید، اما امکان ثبت سایت‌های جدید برای بررسی و ورود به فهرست سفید وجود دارد. این سیم کارت که با سرشماره ۹۹۴، شروع می‌شود امروزه تنها سیم‌کارتی به شمار می‌رود که دسترسی آن از ابتدا محدود بوده است.

نوجوان (شاد)

در شبکه شاد متعلق به آموزش و پرورش، تبلیغات سیم‌کارتی به نام «نوجوان» دیده می‌شود که به افراد ۶ تا ۱۸ ساله تعلق می‌گیرد و هر کس می‌تواند فقط یک سیم کارت به نام خود داشته باشد. سیم کارت نوجوان که در سال ۱۴۰۰ به بازار آمد امتیاز با محدودیت خاصی ندارد و برای نظارت بر اینترنت روی آن، والدین باید طرح «ومینو» همراه اول را از گوشی خودشان فعال کنند. این سیم کارت دائمی است و به دلیل تبلیغ در شبکه شاد به نام سیم کارت شاد شناخته می‌شود.

کودک

رایتل در سال ۹۴ سیم کارت کودک را ارائه کرد که به آپارات کودک، شبکه پویا و اپلیکیشن نبات متصل می‌شد. این سیم کارت اکنون در سایت رایتل وجود ندارد. اکنون مشترکان رایتل با استفاده از سرویس کودک و نوجوان این اپراتور می‌توانند اینترنت روی سیم کارت فرزندانشان خود را محدود کنند.



سیم کارت کودک بدون محدودیت

نظارت بر اینترنت همراه دانش‌آموزان از طریق سیم کارت ممکن است؟

جامعه امروز

محمد سربابی | روزنامه نگار | از اپراتورهای تلفن همراه انتظار می‌رود یک گروه سیم کارت مخصوص افراد زیر ۱۸ سال تولید کنند تا امکان نظارت بر ارتباط‌های کودکان و نوجوانان فراهم شود. بیماری کرونا و رسمی شدن دسترسی به فضای مجازی برای کودکان مشوقی برای تولید این سیم کارت‌ها شد، اما این تقاضا به سرعت فروکش کرد. هنوز هم رایج ترین روش این است که پدر یا مادر یکی از سیم کارت‌های اضافی خود را به فرزندشان بدهند. در فضایی که خرید و نصب انواع فیلتر شکن‌ها عادی است، چه کسی باید نظارت بر نحوه استفاده از اینترنت را برای بچه‌ها انجام دهد؟ آموزش و پرورش، اپراتورها یا والدین؟

۱۰ سال قبل سیم کارت ویژه کودک و نوجوان موضوع مهمی نبود، زیرا هنوز گوشی‌های هوشمند رواج پیدا نکرده بودند. در آذرماه ۹۳ کمیسیون سازمان تنظیم مقررات با مصوبه‌ای اپراتورهای تلفن همراه را از فروش سیم کارت به افراد زیر ۱۸ سال منع کرد. قبل از آن هم این کار چندان قانونی نبود زیرا برای خرید سیم کارت نیاز به کارت ملی است که برای افراد کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود. از سال ۹۳ اپراتورها طرح‌هایی برای سیم کارت زیر ۱۸ سال ارائه کردند که تقریباً تمام آنها شامل فروش سیم کارت به والدین، اما به نام کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۸ ساله بود. هنوز آموزش و پرورش در این موضوع نقشی نداشت و شاید اپراتورها می‌دانستند که این سیم کارت‌ها فروش خاصی نخواهند کرد، زیرا مشتری هم معمولاً ترجیح می‌دهد سیم کارتی بخرد که خدمات کامل داشته باشد.

قصه‌های آموزشی کرونا

بعد از انتشار بیماری کرونا در سال ۹۸ مدارس به فضای مجازی منتقل شدند و بهانه‌ای برای دور نگه داشتن بچه‌ها از اینترنت وجود نداشت. آموزش و پرورش که درگیر اداره شبکه «شاد» بود موضوع نظارت بر اینترنت را فقط به صورت توصیه،

پیام، برگزاری همایش و... اجرا می‌کرد و ترجیح می‌داد موضوع را به والدین و اپراتورها بسپارد. شبکه شاد در ابتدا ضعیف بود و دیگر جایی برای محدود کردن جریان داده‌ها نمی‌ماند. اینجا بود که برای پدر و مادرهای نگران، سیم کارت مخصوص کودکان اهمیت پیدا کرد، اما با طولانی شدن دوره ابتلا به بیماری کرونا موضوع سیم کارت‌های مخصوص به حاشیه رفت. با بررسی بازار فروش سیم کارت در سال‌های مختلف می‌شود فهمید که اپراتورها، جز یکی دو مورد، توزیع این سیم کارت‌ها را متوقف کردند و به روال سابق هنوز آموزش و پرورش در این موضوع نقشی نداشت و کودکان دارند اما اینترنت روی آنها به شکل عادی است. اکنون تقاضای سیم کارت مخصوص کودکان انقدر نیست که بر بازار مصرف تأثیر جدی بگذارد. در این سال‌ها خرید و نصب فیلتر شکن یکی از کسب و کارهای رایج در فضای مجازی است. گویا والدین هم حساسیت گذشته را ندارند و به دنبال تهیه سیم کارت مخصوص برای فرزندانشان خود نیستند.

معیار نظارت: مربیان یا والدین؟

اگر اپراتورها بخواهند دسترسی به بعضی سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی را برای کودکان



دلوری سربازان مارا ببینند و بداند که ایران چنین مدافعانی دارد.» دیگری نوشته: «ادم این صحنه‌ها را می‌بیند، افتخار می‌کند که ایرانی است و با بعضی‌ها هموطن است؛ انسان‌هایی که سلحشوری را معنا می‌کنند.»

سرباز ایرانی که همه را شوکه کرد

ویدئویی از سوی خبرگزاری فارس منتشر شده که در آن یک سرباز ایرانی بر که پایان خدمتش را گرفته به شرط اینکه اگر دوباره جنگی در ایران رخ داد، او بتواند برگردد و برای دفاع از خاک سرزمینش، پشت پدافند بنشیند.

مدرسه‌ای با یک دانش آموز

در مورد مدرسه روستایی که زنگش هر روز به خاطر یک دانش آموز به صدا در می‌آید

گزارش

لیلا شریف | روزنامه نگار | تا همین چند سال پیش، زنگ مدرسه‌که به صدا در می‌آمد، اسماعیل و همبازی‌هایش راهی تنها مدرسه روستایی نرگس‌زمین می‌شدند و صدای خنده‌هایشان تمام مسیر مدرسه را پر می‌کرد. حالا دومین سالی است که همه دانش‌آموزان سال پایانی رفته‌اند و اسماعیل تک و تنها پشت نیمکت‌های مدرسه می‌نشیند و مدرسه فقط برای او باز می‌شود. روایت داستان مدرسه‌ای که برای یک دانش آموز، هر روز چراغ‌هایش روشن می‌شود با یک ویدئو از



«در جست‌وجوی همبازی

میان تمام روایت‌ها از مدرسه نرگس‌زمین، تنهایی اسماعیل در روستا و مدرسه همان بخشی بود که کمتر کسی به آن توجه نشان داده؛ موضوعی که حسن موسوی معلم مدرسه در روز اول مدرسه برای رفع آن پیشقدم شد و تلاش کرد با دعوت مادر اسماعیل و دهیاری روستا، جشن بازگشایی مدرسه را تمام و کمال برگزار کنند. معلم مدرسه نرگس‌زمین در مورد تنهایی اسماعیل در روستا به همشهری می‌گوید: «سعی می‌کنم ارتباطم با او از شکل خشک شاگرد و معلمی فراتر برود؛ جایی هم‌بازی‌اش می‌شوم، جایی معلم. باید تا جایی که امکان دارد، حس تنهایی‌اش را کم کنم، چون این بچه در روستا هم تنهاست و همبازی ندارد.»

«از کانال روستا تا کانال‌های خبری

ویدئوی روز اول مدرسه نرگس‌زمین، تصویر ساده‌ای از یک مادر، دانش آموز و معلمی در گوشه‌ای از حیاط سرسبز مدرسه روستایی است و به سرعت از کانال دهیاری روستا راهی کانال‌های محلی و پس از آن کانال‌های خبری رسانه‌های کشور شده است. هر برش از تصویر، ردی از امید در دل بیننده به جای می‌گذارد و همین شد که برخی آن را به عنوان نمادی از امید در دل روستاهای کوچک نامگذاری کردند. معلم مدرسه می‌گوید: «خودم اولش فکر می‌کردم شاید باز خورد خوبی نداشته باشه، اما بعد دیدم مردم استقبال کردن.» به گفته این معلم «هن دیدم که نمی‌شاه این بچه، تک و تنها بیاد و کلاس رو شروع کنه، به خاطر همین به مادر دانش آموز و دهیار روستا گفتم تا برای جشن روز اول بیان.»

«آخرین دانش آموز روستا

بچه‌ها تا پایان سال ششم می‌توانند به این مدرسه بیایند و زیر سقف این مدرسه قدیمی درس بخوانند و در حیاط سرسبز بازی کنند، همین دلیل باعث شد که بچه‌ها برای سال‌های بالاتر راهی مدرسه شبانه‌روزی اطراف روستا شوند. این اتفاق برای اسماعیل هم خواهد افتاد و یک‌سال دیگر که کلاس ششم این دانش آموز تنها تمام شود، شاید این مدرسه برای همیشه خالی بماند: «سنگی به تصمیمات آموزش و پرورش داره. چون آموزش و پرورش برای یک دانش آموز هم ارزش قائل می‌شه، اما اگر دانش آموزی به روستا نیاد، نمی‌تونم سرنوشت مدرسه چی می‌شه.»

روشن نگه‌داشتن چراغ مدرسه

معلم مدرسه اهل ساری است و هر روز قبل از طلوع آفتاب حرکت می‌کند تا پیش از شروع کلاس خود را به روستا برساند. روستان‌ها که برف و یخبندان راه‌ها را مسدود می‌کنند، گاهی مدرسه تعطیل می‌شود اما تدریس ادامه دارد تا تنها دانش آموز روستا از هم‌سن و سال‌هایش جا نماند. این معلم معتقد است که مأموریتش فقط تدریس نیست، باید حواسش به روشن نگه‌داشتن چراغ مدرسه باشد. در این روزها کم نبودند افرادی که در فضای مجازی با نگاه حسابگر، آموزش به این دانش آموز را به صرفه نمی‌دانستند؛ موضوعی که از نگاه موسوی درست نیست: «ما نمی‌توانیم در مورد تعلیم و تربیت حساب هزینه و فایده کنیم. شاید همین بچه توی آدم‌آهن گداز می‌بشه، پس اینکه بعضی‌ها می‌گن چرا این مدرسه فعالیت می‌کنه اصلاً حرف درستی نیست. ما وظیفه داریم که تا روز آخری که این بچه توی این مدرسه می‌تونه درس بخونه، کنارش باشیم.»